



جانانان همه جا را تمیز کرد، بعد صدایی شنید یا متروی مربای تمشک

سرشناسه: مانس، رابرت ان.، ۱۹۴۵ - م.
Munsch, Robert N.

عنوان و نام پدیدآور: جانانان همه جا را تمیز کرد، بعد صدایی شنید، یا متروی مربای تمشک
jonathan cleaned up then he heard a sound

نوشته‌ی رابرت مانس؛ تصویرسازی میشل مارشانکو؛ ترجمه‌ی اکرم پدram نیا.

مشخصات نشر: تهران: نگارینه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۴ ص. مصور (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۰-۰۱۱-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: jonathan cleaned up then he heard a sound

یادداشت: گروه سنی: ب، ج.

موضوع: داستان‌های تخیلی

شناسه افزوده: مارشانکو، میشل، تصویرگر

شناسه افزوده: Martchenko, Michael

شناسه افزوده: پدram نیا، اکرم، ۱۳۴۸ -، مترجم

رده‌بندی دیویی: ۱۳۸۸ ج ۱۷۶۵ م ۱۳۰ ادا

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۳۶۹۹۱



نام کتاب: جانانان همه جا را تمیز کرد، بعد صدایی شنید، یا متروی مربای تمشک
(jonathan cleaned up then he heard a sound)

نوشته‌ی: رابرت مانس (Robert Munsch)

تصویرسازی: میشل مارشانکو (Michael Martchenko)

ترجمه‌ی: پاتته آقبال زاده

ویراستار: شهرام آقبال زاده

طراح گرافیک: منصور جام شیر

چاپ نخست: ۱۳۹۸ تهران

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نشر نگارینه: تهران، میدان هفتم تیر

کوی نظامی، شماره ۲۵- کدپستی ۱۵۷۵۶۳۵۹۱۱

تلفن: ۰۹۱۲۱۲۳۳۳۳۹۴ - ۸۸۸۲۸۷۸۸ - ۸۸۳۱۵۰۵۱ - ۸۸۳۱۰۰۷۱

www.negarineh.com/ir - ۸۸۳۰۷۲۷۸ - ۸۸۳۰۷۲۷۸

اقتباس و هرگونه چاپ و تکثیر بدون اجازه رسمی و مکتوب

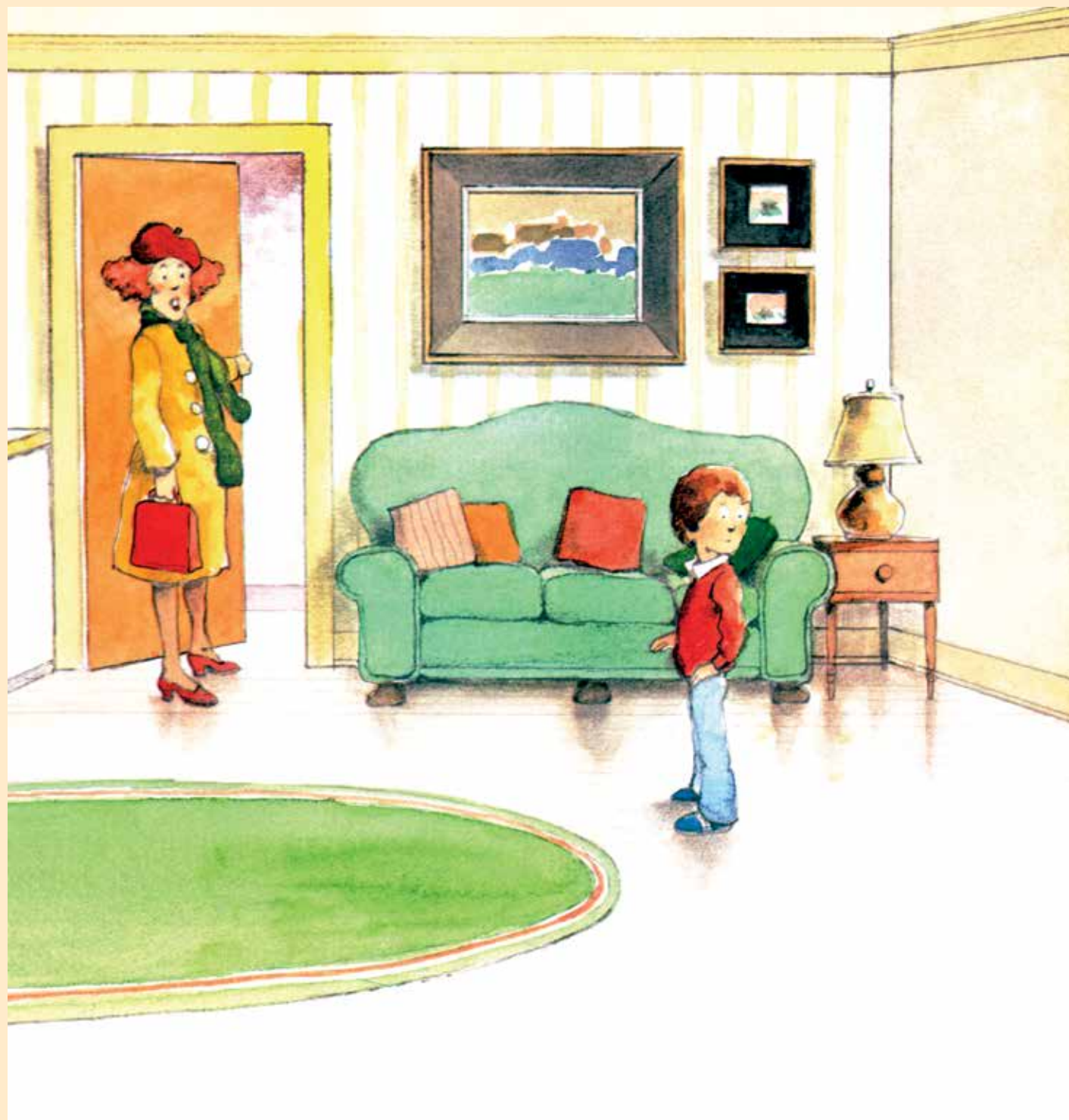
نشر نگارینه ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

ISBN: 978-964-230-011-2



9 789642 300112





مادر جاناتان برای خرید از خانه بیرون رفت . اما
پیش از رفتن به جاناتان گفت: «جاناتان ، از تو خواهش
می‌کنم خانه را کثیف نکنی!»
پس از رفتن او ، جاناتان وسط اتاق نشیمن ایستاد
و به فرش خیلی تمیز ، به دیوارهای خیلی تمیز و به مبل
خیلی خیلی تمیز نگاه کرد و گفت: «راستی راستی که
هیچ چیز کثیف نیست.»
اما ناگهان صدایی شنید . صدا از پشت دیوار
می‌آمد . جاناتان گوشش را روی دیوار گذاشت و به
دقت به صدا گوش داد .



صدا شبیه صدای قطار بود. درست در همان لحظه دیوار باز شد و یک قطار مترو سرعتش را کم کرد و ایستاد. بعد یک نفر داد زد: «ایستگاه، ایستگاه آخر است، همگی پیاده شوید!» آن وقت آدم‌های کوچک، آدم‌های بزرگ، آدم‌های چاق، آدم‌های لاغر و خلاصه همه نوع آدمی از دیوار خانه‌ی جانانتان بیرون آمدند، طول خانه را به سرعت پیمودند و از در خانه خارج شدند.



جاناتان وسط اُتاق نشیمن ایستاد و به دور تا دور اُتاق نگاه کرد. روی چند جای دیوار چیزهایی نوشته شده بود و روی فرش آدامس جویده شده چسبیده بود. یک نفر هم روی مُبل خوابیده بود و یخچال هم خالی بود.

جاناتان با خود گفت: «به راستی که همه جا کثیف شده است!»

جاناتان داشت مردی را که روی مُبل خوابیده بود به بیرون خانه می‌کشید که مادرش را جلوی در ورودی دید. او فوری متوجه نوشته‌های روی دیوار، آدامس چسبیده به فرش و یخچال خالی شد و با عصبانیت داد زد: «جاناتان همه جا که کثیف است!»

جاناتان گفت: «دیوار باز شد، قطار مترو ایستاد و هزاران نفر از این جا رد شدند.»

اما مادر جواب داد: «جاناتان حرف‌های مسخره زن و زود تمیزشان کن.»